

به‌شعار ارزشمند توجه به جوانان برای حل دغدغه‌های اقتصادی آنان، تنها محیطی اجازه رسیدگی را می‌دهد که آرامشی شایسته، زمینه‌ساز اقدامات دولت گردد.

بی‌گمان یاری رساندن به دولت در تحقق وعده‌های خویش وظیفه‌ای ملی و شرعی است و هر کس در هر مقامی موظف است با روشهای قانونی در این راستا تلاش نماید. مجلس شورای اسلامی همواره اعلام نموده که آماده هر نوع همکاری در جهت رفع مشکلات موجود است. نمایندگان مردم نیز به‌عنوان وکلایی که در برابر خداوند متعال و مردم خوب و متدین، خود را موظف می‌دانند که بِن بستها را به‌روشنی مقتضی بگشایند. از جمله این روشها تأمین امنیت عمومی و امنیت شخصی شهروندان از طریق رفع بخرانها و خاموش نمودن کانونهای بخران‌ساز است.

نکته دیگری که اهمیت بسیار دارد این است که آزادی و آزادگی به‌عنوان گوهری مقدس و ارزشمند که خونهای بسیاری از عزیزترین فرزندان این مرز و بوم در راه دستیابی به آن بر زمین ریخته شده است، تنها و تنها در محیطی آرام، قانونمند و غیر خشن امکان حصول دارد و چنانچه هر دستی، به هر دلیلی با زیر پا گذاشتن قوانین در صدد متشنج کردن جامعه برآید، آگاهانه یا ناخودآگاه، غوغا سالاری را به‌جای مردم سالاری، خشونت را به‌جای آرامش و هرج و مرج را به‌جای آزادی خواهد نشانید. لذا امنیت شرط لازم رسیدن به جامعه آزاد است و لا غیر و برای نهادینه کردن امنیت نیز شایسته است تمامی ارکان نظام در چارچوب قانون با قدرت به‌وظایف خود عمل کنند. این آرمانی متعالی است که متأسفانه وزارت محترم کشور ظرف یکساله اخیر مسیری خلاف آن را پیموده است و استیضاح کنونی پس از پیمودن تمامی مراحل منطقی و آخرین راه حل نمایندگان مردم برای خروج از این بِن بست است.

نمایندگان محترم مردم! همان‌گونه که استحضار دارید نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل ۸۹ قانون اساسی و ماده ۱۵۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در صورت رسیدن به این ادراک که امکان حل بِن بست پدیدآمده وجود ندارد، می‌توانند با راهکار قانونی استیضاح و اعلام عدم رأی اعتماد، راهگشایی نمایند. این امر نیز برآمده از روشهای دموکراتیکی است که نظامهای پارلمانتاریستی همواره و به‌شکلی طبیعی از آن بهره می‌جویند.

موضوع اصلاح کابینه در مقتدرترین حکومتهای دنیا نیز امری عادی است و

ایجاد شبهه تزلزل دولت با تغییر یک وزیر، دفاع مناسبی از دولت نیست و خود ضعیف جلوه دادن یک دولت مقتدر است.

شایسته است این نکته را بازشکافی نمایم که چرا روند اصلاحی و نظارت نمایندگان مردم در ارتباط با آقای نوری به بن بست کشیده شده است و راهی جز بهره گیری از این راهکار قانونی باقی نمانده است. با توجه به این که جناب آقای نوری در گذشته مورد حمایت و عنایت مسؤولان درجه اول نظام قرار گرفته اند، انتظار بر این بود که این روند در هنگام اشتغال به کار حساس وزارت کشور ادامه یابد اما متأسفانه واقعاً نمی دانیم به چه علت در این مدت از ناحیه ایشان شاهد بی اعتنائیهای متعدد به تذکرات قانونی نمایندگان مجلس و همکاران سابق ایشان و نصایح مشفقانه بسیاری از دلسوزان انقلاب بودیم. تذکراتی که تمامی برخاسته از حس دلسوزی برای آرمانهای انقلاب اسلامی و در جهت اصلاح امور به نفع تثبیت هر چه بیشتر نظام و دولت محترم بود.

مجلس از ایشان انتظار داشت که با هدایت مدبرانه وزارت کشور با حاکم نمودن جو آرامش و عقلانیت سیاسی ضمن گسترش مشارکت مردم در سیاست، پس زمینه و بستر لازم برای پیاده شدن طرحهای ارزشمند و اجرایی دولت محترم در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را فراهم آورند، ولی متأسفانه به دلایلی که به تفصیل توسط همکاران ارجمند ذکر خواهد شد، اقداماتی نسنجیده و غیر مدبرانه منجر به افزایش جو التهاب و هیجان زدگی سیاسی، حاکمیت غوغا سالاری و هرج و مرج به جای مردم سالاری و طبعاً گسترش پدیده مذموم و زشت خشونت در جامعه شد. به گمان ما شرایط ملتهب پدید آمده امکان ورود به حیطه مسائل و معضلات اساسی و حل آنها را از دولت سلب می نماید و اگر به افکار عمومی مراجعه کنیم درمی یابیم عمده نکاتی که تصویر ذهنی مردم شریف ایران را ساخته و موجب اشتغال ذهن دولتمردان شده است، چیزی جز بحرانهای کاذب، برآمده از عملکرد نادرست و به دور از وقار سیاسی وزارت کشور، بویژه شخص وزیر نبوده و همین عملکرد است که ما را برخلاف میلمان به استیضاح ایشان کشانده است.

آنچه واجد اهمیت بسیار است توجه به این امر است که نقد اصولی علاوه بر عملکرد آقای نوری، در شکلی ژرفتر متوجه روشی است که ایشان به عنوان راه توسعه و مشارکت سیاسی برگزیده اند. شکی نیست که مشارکت سیاسی وسیع تر و

عمیق‌تر مردم در سیاست، آرمان مطلوب ماست، ولی خروج از روشهای معقول و علمی و بهره جستن از بحران‌سازی و تنش‌زایی، به‌نحوی که دو اصل اقتدار و مشروعیت حکومت و نظام و وحدت ملی و مذهبی خدشه‌دار گردد، روش صحیح و برگزیده‌ای برای مشارکت سیاسی نیست.

انتخاب شیوه نادرست ایشان و نادیده گرفتن اقتدار حکومت و نظام در گسترش مشارکت سیاسی، نهایتاً ما را به‌سوی الگویی چون لبنان چند سال قبل خواهد کشید و بی‌توجهی به وحدت و هویت ملی و مذهبی، کشور بزرگ ما را به‌سوی سرنوشتی بسان یوگسلاوی سابق سوق خواهد داد که چنین مباد!

ما می‌خواهیم که ایرانی آباد و آزاد در پرتو نور اسلام و ولایت و همراه با ژرف‌ترین و اصولی‌ترین نوع مشارکت توده‌های مردم داشته باشیم، ولی با گزینش روشی درست و منطقی! رشد سیاسی بسیار حساس است. راهی را که جناب آقای نوری برگزیده‌اند نه تنها غیر علمی و غیر منطقی، بلکه بسیار خطرناک برای آینده سیاسی ایران می‌دانیم.

از این رو است که به‌انحای گوناگون ایرادات خود را به‌ایشان منعکس نمودیم، اما برخلاف عرف زمانی که از ایشان در مجلس سؤال می‌شد، ایشان بدون توجه به سؤال، متنی را که از پیش تعیین شده در پشت تریبون قرائت می‌کردند و مجلس را ترک می‌نمودند و اخیراً ایشان حتی از حضور در کمیسیون هم خودداری می‌کنند و رسماً طی نامه‌ای با امضای معاون پارلمانی خود اعلام نموده‌اند که در کمیسیون شرکت نخواهند کرد و از مجلس صریحاً خواستند که ترتیبی اتخاذ شود تا امکان پاسخگویی در جلسه علنی مجلس فراهم گردد. در جواب ادعای تعدادی از دوستان که در گفت‌وگوهای خود با نشریات و یا به‌صورت پیامهای گوناگون، سؤال می‌کردند که چرا پیش از طرح استیضاح، اشکالات اجرایی در کمیسیون به‌اطلاع آقای نوری نرسیده است، باید گفت که نمایندگان مجلس در موارد عدیده جهت تعاطی افکار و اعلام نظر خود سعی کرده‌اند بنا بر توصیه حضرت امام - رضوان‌الله تعالی علیه - مسائل را در کمیسیون حل نمایند، ولی بی‌اعتنایی ایشان به‌نامه وزارت کشور که به آن رسیدیم دلیل میرهن بر این بی‌اعتنایی است، کلیه راهها را به‌بن‌بست کشانید و ما را در مقابل راهکار استیضاح قرار داد.

از سوی دیگر نگرش خاص ایشان به مشارکت سیاسی و نه‌عی تمامیت‌طلبی و

انحصارگرایی که به شکل همسوگرایی و یک سو کردن کلیه عوامل اجرایی خود را نمایش داد، به گونه‌ای تأسف بار به صورت تفتیش عقاید و اعمال و اندیشه سیاسی در کلیه زیرمجموعه وزارت کشور رسوخ پیدا کرد و بسیاری از مدیران با تجربه نظام را از دم تیغ تصفیه جناحی گذرانید و امنیت شغلی را، آن هم در میان مدیران، بویژه رده بالای وزارتخانه متزلزل کرد. آیا هنگامی که هزینه مشارکت سیاسی را تا این حد بالا ببریم که هر گونه عدم توافق با نظریات و نگرش خاص وزیر، منجر به تصفیه خواهد شد، مشارکت سیاسی فعال و آزادانه را شاهد خواهیم بود یا مشارکت مقلدانه و منفعلانه را؟ آیا این روش تشویق استقلال رأی و روشنفکری است یا هدایت افراد به سوی پیروی کورکورانه و ارتجاع محض؟ آیا این معنای نقدپذیری است یا تجسم نقدستیزی؟ آیا اگر دهان منتقدین دلسوز را به هر وسیله ممکن ببندیم، با دست خود آزادی مشارکت سیاسی را به گور نسپرده‌ایم؟ آیا باید همگان را با خود هماهنگ کنیم یا همه و خود را هماهنگ با حق بجوییم؟ بدون هر گونه مسامحه، این گونه اندیشیدن را انحصارطلبی محض و کورکورانه می‌دانم.

نکته دیگر که شایسته است یادآوری نمایم این است که تعمیق آزادی در این کشور روند طبیعی خود را می‌پیماید و هر گونه تلاش برای پیوند زدن آزادیهای سیاسی و اجتماعی به اشخاص، خدمت به آزادی نیست، بلکه اهانت به شعور و درک و روحیه آزادگی مردم ایران است. تمامی مسؤولان نظام جمهوری اسلامی بالاتفاق آزادی را چون گوهری والا پاس می‌دارند و چنانچه نقدی از روش توسعه آزادی سیاسی از سوی نمایندگان صورت می‌گیرد، نقد بر روشها و عملکردهاست نه انتقادی بر آزادی. حتی بر آنم که طرح معقول، معتدل و به دور از افراط و تفریط آزادی، بیشتر در استواری آن مفید خواهد بود تا دفاع بد و غلط از آن و تبدیل آزادی به هرج و مرج و غوغاسالاری. به همین دلیل مدافعان عدالت و آزادی در ایران، نمایندگان همین مردم آزاده‌اند. (رئیس: شما دو دقیقه از وقتتان بیشتر نمانده است) لذا شایسته نیست افکار عمومی از کسانی که قانونمداری را شعار خویش قرار داده‌اند بشنوند که استیضاح حق نماینده است، ولی سخنگوی دولت بگوید استیضاح آقای نوری فراتر از اعمال حق نمایندگی است، این تضعیف دولت است. یا همین آقا با لحن توهین آمیزی بگوید که این یک شگرد سیاسی است. آیا این توهین به نمایندگان و مجلس شورای اسلامی نیست؟ به عبارت ساده‌تر استیضاح را حق نمی‌دانند، نه و طبرانی که از

آن استفاده نشود. از سوی دیگر گروهی می‌گویند که زمان استیضاح مناسب نیست و در تکمیل، دلیل آنرا تعطیلی دانشگاهها، مسابقات جام جهانی و محاکمه یکی از مدیران ذکر می‌کنند. آیا معتقدند که انتخاب زمان حاضر برای این است که برخورد...
رئیس: آقای باهنر! فکر نمی‌کنید از موضوع خارج شدید. موضوع استیضاح را شما بیان کنید! حالا اگر یک معاون رئیس جمهور یا کسی، وزیری در یک جای دیگر چیزی گفته...

باهنر: یک سری موضعی در مورد استیضاح گرفته شده.

رئیس: بله، مواضع گرفته شده، به هر حال چون پایان وقتان است عنایت فرمایید در همان بخش صحبت کنید.

باهنر: من نمی‌دانم، سخنگوی دولت فرموده‌اند که این شگرد سیاسی است، حالا من نمی‌دانم این ربطی به استیضاح دارد که در مورد آن من صحبت بکنم یا نه، اطلاع ندارم.

رئیس: خارج از موضوع است، شما بیایید در موضوع صحبت فرمایید.

باهنر: آنها معتقدند که انتخاب زمان حاضر برای این است که برخورد و واکنشی با این عمل قانونی نمایندگان صورت نگیرد. در این مورد نکاتی قابل تذکر است:
نخست آن‌که پس از طی یک روند قانونی و روالی منطقی، نمایندگان پس از ناامید شدن از راهکارهای قبل از استیضاح، مانند تذکر قانونی و سؤال در این مقطع به ضرورت استیضاح رسیده‌اند و اگر کوچکترین امیدی برای بهبود وضع داشته‌اند، باز هم صبر می‌کردند. سؤال اینجاست سخنگوی دولت که زمان مسابقات جام جهانی یا تعطیلی دانشگاهها را برای استیضاح مناسب نمی‌دانند، مگر معتقدند که دانشجویان ابزار دست آنها هستند؟ توهین بزرگتری نتوانستید به قشر عظیم دانشگاهی بکنید؟ مگر شما منتظر فضایی هستید که فشارها و تشنجهای زیاد کنید و نمایندگان را از اعمال حق قانونی خود بازدارید؟ یا این‌که وضعیتی به وجود آورید که استیضاح هم مانند پرونده شهرداری...

قمی: خارج از موضوع است.

رئیس: آقای باهنر! شما واقعاً در متن بروید، خوب موضوع این نیست. متن موضوع استیضاح، ایجاد تشنج در جامعه به جای ایجاد امنیت و ثبات در کشور توسط وزیر کشور.

باهتر: خوب دارم دلیل می آورم...

علی حسینی عباسی: تذکر آیین نامه ای دارم، خارج از موضوع است.
رئیس: وزیر کشور باید باشد، می دانم، هر کسی تشنج ایجاد بکند که ما اینجا الآن استیضاح نمی کنیم. شما در مورد وزیر کشور باید بگویید، فرمایید. شما هم اگر این متنتان خارج از موضوع است، ادامه اش ندهید.

باهتر: ببینید حاج آقا! هر طور که شما می فرمایید. من بحثم این است که استیضاح یک عمل... من دارم از استیضاح خودمان دفاع می کنم. می گویم استیضاح ما یک عمل قانونی است، ما به خاطر تعطیلی دانشگاهها وقت استیضاح را انتخاب نکرده ایم...

رئیس: خیلی خوب، این از متن، یعنی موضوع ما...

باهتر: ... طرح استیضاح در فضایی آرام و به دور از تشنج نه تنها شگرد سیاسی، تضعیف دولت یا اعمال حقی مافوق قانون اساسی نیست، بلکه مظهر قانونمداری، پاسداری از آزادیهای مشروع، اصلاح روند حرکت وزارت کشور و آماده کردن محیط جامعه برای ساماندهی وضعیت اقتصادی کشور و حفاظت از حقوق مشروع آحاد ملت است. حکومت قانونمدار در پرتو مجلسی مقتدر و توانمند شکل گرفته و استمرار می یابد. برای پیشگیری از دیکتاتوری، بایستی قوای سه گانه با اقتدار کامل و مستقل از یکدیگر به وظایف قانونی خود بپردازد. والسلام علیکم و رحمة الله.

رئیس: متشکر، عرض می شود که شما ۱۹ دقیقه صحبت کردید، منشیها یادداشت کنند. از بقیه سخنرانان و ناطقین که صحبت می کنند درخواست می کنم، ببینید موضوع را در متن مشخص کردید، از آن موضوع خارج نباید بشوید. حالا اگر دیگران صحبت کردند از این طرف، از آن طرف همه آنها را بخواهیم اینجا جواب بدهیم، آن وقت باید یک ماهی ما جلسه داشته باشیم تا این که همه بحثها را اینجا داشته باشیم و بعد هم خوب خلاف آیین نامه مان است. خانم وحید فرمایید. شما هم برایتان ۱۸ دقیقه معین شده، هر چه بیشتر صحبت بکنید، حق بعدیها را ما می زنیم.

مرضیه وحید دستجردی: بسم الله الرحمن الرحیم.

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَأَخْلِلْ عَقْدَةَ مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي»^۱.

این روزها بحثهای فراوانی در جامعه ما در مورد استیضاح مطرح است. شماری استیضاح را تعریض به ریاست محترم جمهور و برخی حمله به ارکان دولت و عده‌ای افتیضاح می‌خوانند و همگی هم چاره‌ای جز اذعان ندارند که استیضاح حق قانونی مجلس است پس اگر چنین است، همه کسانی که تابع قانونند و دم از قانونمداری و قانونگرایی می‌زنند بایستی به این بُعد از قانون نیز تن در دهند. برخی اقدامات وزارت کشور منجر به ایجاد تشنج و تنش در میان مردم شده است. اگر در یک جامعه قانونمند این اقدامات و تبعات ناشی از آن ادامه یابد و در یک نقطه و یک مکان، ارزیابی نهایی و نتیجه‌گیری منطقی از آن صورت نپذیرد، جو تشنج و آشوب در میان مردم اوج خواهد گرفت. بهترین محل و موضع این ارزیابی نهایی، مجلس شورای اسلامی است که توضیح خواستن از وزیر کشور را مطابق با قانون و به صورت طبیعی و منطقی انجام می‌دهد. چرا برخی سعی می‌کنند این جریان طبیعی و معقول را نوعی مقابله تلقی کنند؟ مقابله وقتی است که استیضاح‌کنندگان دلیلی ارائه ننمایند و یا استیضاح‌شونده محترم فرصت پاسخگویی نداشته باشد. پس استیضاح در یک جامعه قانونگرایی واقعی نوعی تعاطی افکار در یک مکان قانونی و بر اساس موازین و معیارهای منطقی و معقول است. آنان که خلاف این را مطرح می‌کنند در حقیقت دولت را غیر قانونگر معرفی کرده و به دولت محترم اهانت می‌نمایند. انجام یک عمل قانونی با ابزارهای قانونی و از طریق قانونی، تعریض به ریاست محترم جمهور عنوان می‌گردد، در حالی که به عکس این‌گونه سخن‌پراکنیها، ایراد خدشه به جایگاه قانونی و الای مجلس شورای اسلامی به عنوان قوه‌ای که در رأس قواست و در حقیقت تعریض به ساخت مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم محسوب می‌شود.

ملت عزیز هرگاه که روزنامه‌ای را می‌گشایند با خیل عظیم عزل و نصبها در سطوح مختلف و در وسعتی کم‌نظیر، اگر نگوییم بی‌نظیر مواجه می‌شوند که مثال و شاهد صادق آن وزارت کشور است.

کوچکترین اعتراض به این امر، مقابله و برخورد با دوم خرداد و پیام آن تلقی شده و چماقهای مختلف بر سر آن کوبیده می‌شود، حال اگر نمایندگان منتخب ملت بر مبنای وظیفه قانونی و شناخت وظیفه، استیضاح تنها یکی از وزرا را مطرح نمایند، آنگاه آسمان شکافته شده و خورشید رنگ می‌بازد.

سخن ما این است که برادران و خواهران و دوستان گرامی! بیایید با منطق، قانون

و انصاف با یکدیگر گفت و گو کنیم. همدیگر را تحمل نماییم، به نهادهای قانونی اجازه بروز و ظهور قانونی و منطقی بدهیم، از جوسازی و غوغا انگیزی اجتناب نموده، قولها را بشنویم و اگر اهل بشارتیم، بهترین آنها را برگزینیم.

وظیفه اساسی و تعریف شده وزارت کشور همانا ایجاد آرامش و برقراری امنیت در کشور و تأثیر در هماهنگ سازی مجموعه های تحت پوشش، حسب تعاریف قانونی است. مع الأسف جناب آقای عبدالله نوری وزیر محترم کشور حجم قابل توجهی از فرصت های گرانبها را صرف ایجاد تغییرات وسیع در بافت اجرایی وزارتخانه نموده و در این تغییرات به معاونین وزارتخانه، استانداران و فرمانداران اکتفا نموده و حتی بخشداران و شهرداران نیز دستخوش تعویض و تبدیل گردیده اند.

اگرچه عزل و نصب معاونین و غیره حق قانونی وزیر کشور است و این قابل درک می باشد که وزیر محترم کشور افرادی را که به دلیل نگرش سلیقه ای و جناحی با ایشان هماهنگ نیستند، تعویض نمایند، هر چند این گونه تعویضها همخوان با خواست توده ملت نباشد، ولی مهم و سرنوشت ساز از دیدگاه ما، ملاک انتخاب افراد، صلاحیت و شایستگی آنان است. اعتراض ما به عدم صلاحیتهاست، نه انتخاب آنها از گروهی خاص، به طوری که در برخی از انتصابات می بینیم افراد اصلاً سابقه و تجربه کاری در وزارت کشور را ندارند.

ما مخالف تجربه آموزی نیستیم، ولی برای آزمون تجربی استانداری که جای بسیار حساسی است محل مناسبی نیست در همین جهت تلاش وسیع و میداننداری استانداران و فرمانداران جدید در عزل و تعویض مدیران کل استانها و رؤسای ادارات شهرستانها و شهرداران و دهداران به طرز نگران کننده ای صاحبان تجربه و اطلاعات گرانبها و علاقه مندان و دلسوزان نظام را از صحنه خدمت به ملت عزیز حذف کرده است.

جناب آقای نوری! درخواست ما این است که یک بار دیگر برنامه هایتان را که برای اخذ رأی اعتماد به مجلس محترم ارائه داده اید مطالعه کنید و ببینید به کدام یک از وعده های خود وفادار بوده اید؟ فرمودید که بر اساس حجت شرعی عمل می کنم! آیا عمل کردید؟ آیا در عزل و نصبها حجت شرعی داشتید؟ آیا انتخاب آقای بهزادیان به عنوان معاون وزارت کشور، با توجه به سوابق و عملکرد ایشان می تواند مصداقی قابل قبول از عمل به حجت شرعی باشد؟ آیا نمی دانستید مطابق اعلان وزارت کشور

به فرمانداری قائن، وی برابر دستور دادستانی انقلاب ممنوع‌المعامله شده است و بعد از سال ۱۳۷۴ ممنوع‌الخروج از کشور؟ آیا نمی‌دانستید ایشان قبلاً با سوء استفاده از موقعیت خویش، ۱۶ فقره موافقت اصولی برای خود و بستگانش اخذ نموده است؟ آیا از خرید شرکت خصوصی چاپ‌گستر توسط ایشان از شهرداری تهران بی‌اطلاعید؟ آیا نمی‌دانید ایشان عضو هیأت مدیره چاپ‌گستر است؟ (طبق گفتار آقای کرباسچی در دادگاه سوم) و مطابق قانون، کارمند دولت نمی‌تواند عضو هیأت مدیره شرکت‌های خصوصی باشد؟ آیا از حمایت و تقویت عناصر مسأله‌دار توسط مشارالیه بی‌خبرید؟ برادر گرامی جناب آقای عبدالله نوری! چرا و به چه دلیل ۷ تن از استانداران و بسیاری از فرمانداران و بخشداران در سرتاسر کشور، از منطقه‌ای مخصوص و مرتبط با بانندی خاص و جریان فتنه انتخاب شده‌اند؟ آیا انتصاب آقای حری فرماندار نجف‌آباد و بدتر از آن اصرار به ابقای نامبرده، علی‌رغم توصیه مقامات امنیتی در برکناری وی، بر اساس حجت شرعی بوده است؟ فردی که به جای ایجاد امنیت، به اغتشاش و آشوب دامن می‌زند و در جلسه شورای تأمین در ۱۳۷۶/۱۲/۱۴ در دفاع از آشوبگران می‌گوید: «اینها چون اقدامات دیگرشان نتیجه نداده است لذا می‌خواهند برای رفع حصر اقدام کنند با بستن مغازه‌هایشان حرفشان را به گوش مسئولین برسانند. این خلاف قانون نیست، پس صحبت‌هایشان را کجا بکنند؟ اعتصاب خلاف قانون نیست و نیاز به مجوز ندارد».

آیا انتصاب برخی فرمانداران، از جمله فرماندار جدید داراب که به دلیل ارتکاب جرم در امر انتخابات و انفصال از خدمات دولتی و تحمل ضربات شلاق محکوم شده است کاری صحیح و مطابق موازین بوده است؟

جناب آقای وزیر! آیا عاقلانه نبود که از وزارت اطلاعات در مورد صلاحیت افراد استعلام می‌شد تا چنین انتصاب‌هایی صورت نمی‌گرفت؟ ظاهراً بر اساس مصوبه داخلی هیأت وزیران در زمان نخست‌وزیری جناب آقای مهندس موسوی، استعلام راجع به صلاحیت افراد از وزارت اطلاعات روال بوده است.

سخن این است که حتی اگر این مصوبه نیز وجود نمی‌داشت، ولی عرف متداول و روش معقول نیز اقتضا می‌کرد این کاوش صلاحیت صورت پذیرد، ولی مسائل و گرفتاری‌های موجود نشان می‌دهد که متأسفانه در این امر از جانب وزارت کشور قصور و تقصیر انجام شده است.

از ویژگیهای مثبت یک وزیر خوب این است که بایستی نگاهش به روی همه کشور باشد تا بتواند افراد صاحب صلاحیت را کشف کرده و به کار بگمارد.

جناب آقای وزیر کشور علاوه بر این که به این صلاحیتها توجه نکرده است، ساده‌گزینی نموده و با گشت و گذار در اطراف خویش، افرادی که می‌شناخته‌اند و بسیاری اهالی یک منطقه مخصوص می‌باشند نصب نموده است و آیا این است مصداق تقویت همبستگی افراد ایرانی و گروهها و اقشار که در برنامه تقدیمی ایشان به مجلس، جهت رأی اعتماد به آن تصریح نموده بودند؟

با نگاهی گذرا به عزل و نصبها در وزارت کشور درمی‌یابیم که در طی این مدت ۷۵ مدیر ارشد، اعم از استاندار و معاونین وزیر و معاونین استاندار، بالغ بر ۱۴۶ مدیر کل ستادی وزارت کشور و استانداریها، ۳۴۰ فرماندار و بخشدار، ۸۰ شهردار، ۴۵ مشاور وزیر و استاندار و ۹۴۲ دهمدار تعویض شده است.

تعویض مدیران سیاستگذار را اگرچه با شعار فراجناحی نمی‌خواند، می‌پذیریم اما شهرداران و بخشداران و فرمانداران که مدیران اجرایی هستند، قلع و قمع آنها چه توجیهی دارد؟ تعداد کل این نیروی انسانی تعویض شده ۱۶۸۹ نفر است. اگر سابقه مدیریتی هر یک از افراد فوق را حداقل به‌طور متوسط ۱۰ سال بدانیم جمعاً ۱۶۸۹۰ سال تجربه مرتبط با وزارت کشور از مجموعه این وزارتخانه حساس کنار گذاشته شده است. سابقه مدیریتی حداقل ۱۰ سال، یعنی ۱۰ سال از عمر ۲۰ ساله انقلاب و ملاحظه می‌فرمایید که تا چه حد ضرر به پیکره اجرایی و نیروهای کارآزموده، صرف نظر از وابستگی جناحی، در جریان این تغییر و تعویضها وارد آمده است.

در کشورهای پیشرفته تجربیات افراد کارآزموده را تئوریزه می‌کنند، در دانشگاههای مدیریتی و مراکز استراتژیک این تجربیات را تدریس می‌نمایند و برخی متأسفانه چه ارزان می‌فروشند. آیا این است مصداق بند ۸ برنامه پیشنهادی وزیر محترم کشور در هنگام رأی اعتماد به مجلس محترم مبنی بر ضابطه‌مند کردن روشها و رفتارهای مدیریتی در خصوص رشد و ارتقا و عزل و نصب مدیران بر پایه تعهد، تخصص، تجربه و شایستگی؟ گذشته از این که نشنیده و یا نخوانده‌ایم که در هیچ‌کجای دنیا این حجم وسیع تغییرات در یک وزارتخانه اتفاق بیفتد، ولی برادر گرامی جناب آقای نوری! در هیچ دوره از ادواری که بر وزارت کشور گذشته است نیز به اندازه مدت تصدی مجدد حضرتعالی در وزارت کشور به نیروهای مجرب وزارتخانه کم‌لطفی و بی‌عنایتی نشده است.

جنابعالی که از به جریان افتادن و بررسی پرونده آقای کرباسچی و بازداشت ایشان سراسیمه می‌شوید، چگونه است که این خیل عظیم نیروهای کاردان و مجرب را به سهولت و بدون احساس غبن و خسران کنار می‌گذارید؟

جنابعالی استانداری را از سیستان و بلوچستان کنار گذاشتید که ۱۷ سال سابقه در وزارت کشور، ۷ سال سابقه در استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۰ سال سابقه در معاونت عمرانی گیلان و بوشهر داشت.

برادری را با ۱۹ سال سابقه از استانداری فارس برکنار کردید که ۱۶ سال سابقه به عنوان استاندار فارس، همدان، سمنان، لرستان، زنجان و ۳ سال سابقه در معاونت سیاسی اراک و فرمانداری داشته است.

برادر دیگری را با ۱۹ سال سابقه در وزارت کشور، ۴ سال سابقه استانداری لرستان و ۱۵ سال سابقه معاونت در استانداری و فرمانداری خوزستان و خراسان تعویض نموده‌اید.

برادری را با ۸ سال سابقه وزارت کشور، ۴ سال استانداری کردستان و ۴ سال فرمانداری سنندج و بخشداری و سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی کنار زده‌اید.

برادری را با ۱۱ سال سابقه وزارت کشور، ۴ سال سابقه استانداری اردبیل و ۷ سال سابقه فرمانداری، بخشداری، مشاورت وزیر و استانداری به کنار نهاده‌اید.

برادر دیگری را با ۱۲ سال سابقه وزارت کشور، ۱۲ سال سابقه استانداری در استانهای مازندران، یزد، چهارمحال و بختیاری و یک سال معاونت استان لرستان تعویض نموده‌اید. دیگری را با ۱۶ سال سابقه وزارت کشور، ۱۲ سال سابقه استانداری اصفهان و خراسان و ۴ سال سابقه معاونت عمرانی اصفهان عزل فرموده‌اید.

برادر دیگری را با ۹ سال سابقه استانداری مرکزی، فارس و همدان به کنار نهاده‌اید.

برادری را با ۱۰ سال سابقه در وزارت کشور، ۶ سال سابقه استانداری زنجان و ۴ سال معاونت عمرانی معزول فرموده‌اید. برادری را با ۱۵ سال سابقه در وزارت کشور، ۱۱ سال سابقه استانداری گیلان و ۴ سال سابقه معاونت استانداری و فرمانداری تنکابن معزول فرموده‌اید.

برادر دیگری را با ۱۱ سال سابقه کار در وزارت کشور، ۴ سال سابقه استانداری و ۷ سال سابقه معاونت عمرانی خوزستان و شهرداری شیراز به کنار گذاشته‌اید.

برادر گرامی، جناب آقای نوری! جناب آقای زرگر همراه خود حضرتعالی از وزارت جهاد سازندگی که در آنجا معاون وزیر بود به وزارت کشور آمد و به شهادت دوست و دشمن ۸ سال در پست معاونت عمرانی وزارت کشور به تلاشی مؤثر و صادقانه پرداخت. آیا بایستی ایشان با توجه به همه این خدمات در عمران و آبادانی کشور و بخصوص بخش حوادث غیر مترقبه، تنها به خاطر مخالفت با برخی عملکردهای شهردار تهران به کناری نهاده می‌شد؟ آیا جناب آقای تابش با ۱۷ سال سابقه کار در وزارت کشور به عنوان معاون سیاسی وزارت کشور، استاندار استانیهای گیلان، خوزستان، کردستان و معاونت عمرانی کردستان بایستی از دستگاه وزارت کشور خارج گردد؟

نمایندگان محترم! افسوس و غصه فراوان من نه از برخوردهای خطی و جناحی وزیر محترم، بلکه از بی نصیب ماندن و محروم شدن این وزارتخانه مهم و این مردم متدین و مظلوم از نیروهای کاردان، لایق و مجرب است که عمر کاری برخی از آنان در وزارت کشور به عمر انقلاب عظیم اسلامی ما می‌رسد و ملت عزیز و قدرشناس در تودیع این افراد خدوم، بعضاً تا ۱۶۰ کیلومتر به بدرقه آنها آمدند و با گل و اشک و بوسه قدرشناسی خالصانه خود و خدمتگزاری صادقانه آنان را به نمایش گذاردند. آیا این است پاسداری از حقوق ملت؟

برادر گرامی، جناب آقای نوری! بیان سوابق افراد برکنار شده و تصریح صلاحیتهای آنان اعم از بقیه استانداران، گروه عظیم فرمانداران، بخشداران و شهرداران از حوصله این مقال بیرون است و من تذکره برخی دیگر از الباقی را به عنوان سندی برای حفظ در تاریخ، در اختیار ریاست محترم مجلس شورای اسلامی قرار می‌دهم و حال باید به برخی انتصابات در وزارت کشور پرداخت.

جناب آقای تاجزاده معاونت محترم سیاسی و اجتماعی وزارت کشور در پستی که از حساسترین و مهمترین پستهای این وزارتخانه است قبل از انتصاب، حتی به مدت یک روز نیز سابقه کار وزارت کشوری نداشته است و بی دلیل نیست که چنین شخصی در اظهارات مختلف و متعدد در مناطق و مراکز مختلف کشور چنین می‌گوید: «ما در دهه سوم انقلاب قرار داریم، امروز نظام ما تثبیت شده است و همه چیز نظام محکم و استوار است، ما دشمن خارجی نداریم»^۱.

بسیار جالب است که معاون سیاسی وزارت کشور هم توطئه خارجی را توهم می‌داند. وی را به سخنان ریاست محترم جمهور در روز دوم خرداد در دانشگاه تهران ارجاع می‌دهم تا مسأله را دریابد. البته وجود دشمن خارجی را عموم ملت درک می‌کنند و معلوم نیست چرا آقای تاج‌زاده از درک آن قاصر است؟

باز هم ایشان می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی ایران در مقابل چنین انتخاب تاریخی بین دیکتاتوری و آزادی در یکی دو سال گذشته قرار داشت که آزادی را انتخاب کرد. انقلابهای اجتماعی و سیاسی هر وقت که ایدئولوژی پیدا کنند، این انقلابها را خطر استبداد بیشتری تهدید می‌کند».^۱

تصور آقای تاج‌زاده از دوم خرداد و طرح انتخاب میان دیکتاتوری و آزادی می‌طلبد که ایشان مقصود خود را از آزادی بیان کنند. آیا آزادی، آزادی بی‌بند و باری و فساد است و یا آزادی مورد انتظار برخی گروهکها؟! چرا که در نظام اسلامی ما مرزها مشخص و حدود آزادی تعریف شده است و جالبتر این که به‌زعم ایشان، لابد انقلابهایی که ایدئولوژی ندارند در خطر غلتیدن به سمت استبداد قرار نداشته و یا کمتر قرار می‌گیرند! پس نتیجتاً می‌توان گفت بهتر است ایدئولوژی را از انقلاب بزداییم! در جای دیگر می‌گوید: شورای نگهبان صلاحیت تأیید خبرگان را ندارد زیرا خبرگان کادر رهبری را بررسی می‌کند.^۲

رئیس: دو دقیقه دیگر از وقت تعیین شده شما باقی مانده است.

مرضیه وحید دستجردی: این‌گونه سخنان با این لحن و محتوا در یک جمع دانشجویی و در مقابله با قوانین کشور و نهادهای قانونی آن، به‌جای طرح آن از کانالها و مجاری قانونی، جای تأمل و اندیشه فراوان دارد. ایشان به‌دور از شأن معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، در سخنان خود اکثراً وارد مناقشات سیاسی شده و مسؤولیت خود را در وزارت کشور فراموش می‌کند، به‌طوری که در بندرعباس هم درگیری ایجاد می‌شود.

ایشان در جلسه ستاد انتخاباتی ریاست جمهوری استان خوزستان در پاسخ فردی که اظهار می‌دارد ما مخالف مدیر کل آموزش و پرورش هستیم، پاسخ می‌دهند: «اعتصاب بکنید، مجبور می‌شوند او را عوض کنند». به‌نظر می‌رسد ایشان جایگاه مهم

۱. بندرعباس، ۱۳/۲/۱۳۷۷.

۲. ایلام، جمع دانشجویان.

سیاسی و امنیتی خود را در وزارت کشور درک نکرده و یا آن را با کرسی نظریه پردازیهای آکادمیک اشتباه گرفته‌اند.

ذاکری: تذکر دارم.

رئیس: اگر تذکر ندهید بهتر است. این خارج نیست. من متن را نگاه کردم.

وحید دستجردی: انتصاب آقای غریبانی به استانداری آذربایجان غربی نیز گونه‌ای دیگر از این دست است. ایشان در وزارت کشور یک کارمند بوده است، با توجه به رد صلاحیت ایشان از طرف شورای محترم نگهبان به عملکرد غلط در نشریه‌ای که با صاحب امتیازی ایشان منتشر می‌گردد، باز هم خط ایجاد آشوب و اغتشاش، خود را می‌نمایاند. در این هفته‌نامه که بارها مورد اعتراض و شکایت قرار گرفته است در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۲ صفحه ۳، در مقاله‌ای تحت عنوان «خط خشونت»، نیروهای مسلح، بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد هتک حرمت قرار می‌گیرند.

در بخش دیگری نیز تحت عنوان «وظایف مردم برای رسیدن به آزادی»، برخی کارهای لازم برای دستیابی به آزادی را شرح می‌نماید که شرکت در سخنرانیهای سیاسی دگراندیشان و اعلان اعتراض و راهپیمایی علیه متصدیان امور، تبلیغ شده است. در این مشتمل نمونه خروار از مطالب این هفته‌نامه که تقدیم ریاست محترم مجلس می‌گردد، خط ایجاد تشنج و درگیری و بحران، آن هم در نشریه شخصی که مربوط به استاندار این کشور است عیان می‌باشد و ای کاش وزیر محترم کشور به این فراز از وصیتنامه سیاسی-الهی حضرت امام توجه می‌نمودند که فرموده‌اند: «و در همین انگیزه به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند، اشخاص لایق، متدین و متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشد».

مطلب قابل ذکر و مهم آن‌که در مناطق مرزی کشور که از اهمیت فراوان سیاسی و استراتژیک برخوردارند، اکثراً استاندارانی گمارده شده‌اند که یا اساساً سابقه کار در وزارت کشور نداشته‌اند و یا از سابقه بسیار کمی برخوردار بوده‌اند. از جمله این استانها: کردستان، سیستان و بلوچستان، خراسان و آذربایجان غربی است.

نمونه‌ای دیگر از انتصابهای وزیر محترم کشور، نصب جناب آقای رمضان‌زاده به استانداری کردستان است. ایشان سابقه مدیریتی در استانها نداشته و تنها سابقه ایشان محدود به ۱۸ ماه کار به عنوان معاون مدیر کل در وزارتخانه می‌باشد.

استاندار سیستان و بلوچستان آقای حسینی، حتی یک روز سابقه کار در وزارت کشور نداشته است و تنها کار اجرایی مدیریتی ایشان، طبق گفته معاون سیاسی استانداری سیستان و بلوچستان که اخیراً عزل شده است، ریاست ستاد انتخاباتی ریاست محترم جمهوری در اصفهان بوده است.

استاندار سمنان آقای میرلوحی، سابقه کار در وزارت کشور نداشته است، استاندار همدان نیز به همین ترتیب!

در پایان، سؤال دیگری نیز دارم و آن این که برخی آقایان نمایندگان و نیز جناب آقای مدرس، معاون امور مجلس در این چند روزه که مسأله استیضاح در مجلس مطرح بوده است، به نمایندگان محترم قول تغییر استاندار، فرماندار و بخشدار را داده‌اند. آیا این وعده‌های پیشنهادی نیز بر مبنای حجت شرعی است و یا بر اساس اقتضای زمان اتفاق می‌افتد؟

در هر حال، به نظر می‌رسد وزارت کشور ما امروز گرفتار یک نگرش و دیدگاه ناصحیح شده است که او را از عمل به وظایف مهم و اساسی خویش باز می‌دارد و در عین حال تبعات خطرآفرینی را در کشور دامن می‌زند و من با توجه به آنچه می‌بینم و بخشی از آن را بیان نمودم، برای مردم و نظام عزیز اسلامی احساس دلنگرانی و دغدغه خاطر فراوان دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

عده‌ای از نمایندگان: احسنت، احسنت.

رئیس: آقای مهندس طاهری بفرمایید.

سید طاهر طاهری: بسم الله الرحمن الرحیم.

«رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا»^۱.

با درود و سلام بر آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و نایب بر حقش حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حضار صلوات فرستادند) و سلام بر روان پاک قائد کبیر انقلاب اسلامی، بت شکن عصر معاصر، حضرت امام خمینی - قدس سره الشریف - (حضار صلوات فرستادند). درود بر ارواح مطهر شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی. سلام بر خانواده معظم شهدا که چشم و چراغ این ملت

غیورند و سلام بر رزمندگان اسلام، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز. سلام بر ملت بزرگ ایران اسلامی، خصوصاً جوانان برومند که در تمامی صحنه‌های سیاسی و عبادی چون دریایی مواج می‌خروشدند و به‌ندای رهبر عزیزشان لبیک می‌گویند.

برادران و خواهران عزیز! امروز در محضر ملت مظلوم و عزتمند ایران اسلامی و در خانه ملت، با توجه به اصل ۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی که نمایندگان مردم به قرآن مجید سوگند یاد کرده‌اند که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشند و ودیعه‌ای که ملت به آنها سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنند و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایند. لذا با تکیه بر اصل ۷۶ و با استناد به اصل ۸۹ قانون اساسی، وزیر محترم کشور جناب آقای عبدالله نوری را مورد استیضاح قرار می‌دهیم.

قبل از این‌که وارد بحث اصلی شوم، توضیح این نکته را ضروری می‌دانم که این استیضاح دارای بستری قانونی است و قانون اساسی یعنی میثاق عمومی مردم، آن را به رسمیت شناخته و به نمایندگان اجازه داده است تا آزادانه نسبت به عملکرد هر یک از وزرا یا هیأت دولت، درخواست استیضاح کنند و در صورت رفتار خلاف مقررات و قانون و یا نحوه مدیریت غلط هر وزیری که منافع جامعه و مردم را به خطر اندازد و در روند صحیح حرکت دولت خلل وارد کند، برخورد داشته باشند و نسبت به ادامه خدمت چنین وزیری بازنگری کنند. این از خصوصیات جامعه‌ای است که قصد دارد قانونمداری را شعار خود قرار داده و مواضع خود را در چارچوب قانون تفسیر نماید. افرادی که طرح استیضاح را اقدامی در جهت تضعیف دولت و مقابله با رئیس جمهوری محترم قلمداد می‌کنند کسانی هستند که صرفاً آزادی و قانون را برای منافع خود می‌خواهند و قصد دارند با تبلیغات وارونه منافع گروهی خود را تأمین کنند و در این راه به امنیت اجتماعی، مشکلات مردم و از همه مهمتر منافع ملی توجهی ندارند. اینها اعمال حق قانونی استیضاح را از طرف نمایندگان، توطئه و دسیسه تلقی می‌کنند، اینان مدعی آزادی حتی برای مخالفان نظام هستند، اما برای نمایندگان مردم هرگز!

من به این نکات اشاره کردم تا ملت شریف ایران و نمایندگان محترم ملت در مجلس شورای اسلامی مستحضر باشند که بین حرف تا عمل، فاصله چقدر زیاد است. با توجه به مقدمه‌ای که تقدیم نمایندگان محترم مردم شریف در مجلس شورای اسلامی شد و با در نظر گرفتن شرایطی که آقای عبدالله نوری در کشور و مدیریت

سیاسی داخلی ایجاد نموده، ادامه خدمت ایشان را در سیمت مذکور مانع آرامش و ثبات کشور دانسته و به استناد اصل ۸۹ قانون اساسی ماده ۱۵۰ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی دلایل خود را برای استيضاح تقدیم می دارم.

ایجاد تشنج در جامعه، به جای ایجاد امنیت و ثبات در کشور. تحریک پرسنل و کارمندان وزارت کشور و همچنین آحاد جامعه از طریق ایجاد تشنج و جو فشار در جریان دستگیری شهردار تهران، از جمله تشکیل ستاد بحران، تشکیل ستاد استقبال، تشکیل نمایشگاه فعالیت های شهرداری در وزارت کشور، شعار این که «ما تا آخر ایستاده ایم»، رفتن به منزل شهردار در مراجعت از عربستان و تقدیم هدیه معنوی دریافتی از مقامات عربستان به خانواده شهردار. همچنین قابل ذکر است که اینجانب به هیچ وجه قصد ورود به بحث تخلفات شهرداری را ندارم، که بررسی آن وظیفه دادگاه است.

آقای نوری پس از دستگیری شهردار تهران در اولین موضعی که در این خصوص اتخاذ کرد در برابر رسانه های جمعی اظهار داشت: «خدا شه در حیثیت شخصیتی مانند آقای کرباسچی، آثار و عوارضی دارد که مرتکبان آن خواسته یا ناخواسته باید مسؤولیت های آن را بپذیرند» و سپس چنین ادامه می دهد: «برای یک شهروند عادی چه جای امیدی باقی می ماند که قانون، مدافع حقوق وی خواهد بود؟ بنده تاکنون به احترام شخص رئیس جمهور در ماجرای شهرداریها سکوت کرده ام، نمی توانم نگرانی خود را از روند مراحل بررسی قضایی پرونده شهرداری پنهان دارم و مراتب تردید خود را از کفایت و صلاحیت دست اندرکاران این پرونده ابراز نکنم».

آنچه از اظهارات فوق استنباط می شود، نشانگر حرکتی تهاجمی و بی محابا به قوه قضائیه و در نهایت تحریک و تشویش اذهان عمومی است. آخر کسی که خود مسؤول است امنیت جامعه را تأمین کند، چگونه به میدان آمده و مردم را علیه یک قوه تحریک می کند و برای رسیدگی قضایی به اتهامات یک مدیر، مانع تراشی می کند؟...

علی حسینی عباسی: ایشان چرا راجع به دادگاه صحبت می کند.

رئیس: آقای طاهری! بحثتان را متوقف کنید، من وقتتان را حفظ می کنم. نمایندگان محترم توجه بفرمایید! ماده ۱۵۴ آیین نامه این طور بیان می کند: استيضاح کنندگان مجاز نخواهند بود در ضمن استدلال و توضیحات خود موضوعات دیگری را که به موارد استيضاح مربوط نیست مورد بحث قرار دهند. موضوع دیگر را حق ندارند

مورد بحث قرار بدهند. در رابطه با استیضاح و توضیح و استدلال برای موضوعاتی که مطرح کردند، طبیعتاً این حق برای آنها هست. در آیین‌نامه مخصوصاً آمده: از موضوع نباید خارج بشوند.

موضوع، موضوع ایجاد تشنج در جامعه به جای امنیت و ثبات است. حالا برای توضیح این موضوع شواهدی را بیان می‌کنند، استدلال می‌کنند، توضیح می‌آورند، اما اگر از موضوع خارج بشوند از آنها درخواست می‌کنیم و جلو آنها را می‌گیریم. اما اینجا موضوع، ایجاد تشنج است، قهراً برایش استدلال می‌کند و مصداق بیان می‌کند، بفرماید.

سیدظاهر طاهری: دقیقاً همزمان با اظهارات آقای نوری در عربستان، گروه دیده‌بان حقوق بشر با ارسال نامه‌ای، با امضا آقای هانی مگالی به عنوان آیت‌الله یزدی خواهان آن می‌شود که همه‌گونه حفاظت‌های قانونی لازم یک محاکمه عادلانه طبق قوانین بین‌المللی برای شهردار تهران فراهم شود. آقای هانی مگالی در ادامه نامه خود می‌گوید: «نگرانی ما این است که تصمیم‌دستگیری و تعقیب قضایی آقای کرباسچی ممکن است با انگیزه‌های سیاسی صورت گرفته و وی از چهره‌های برجسته یک گروه سیاسی به نام کارگزاران سازندگی است».

آقای نوری در یکی از اظهارات خود در ارتباط با دستگیری شهردار تهران می‌گوید: «دامنه این عوارض تنها به‌قوة مجریه محدود نمی‌شود، بلکه به‌قوة قضائیه نیز سرایت می‌کند و به‌توهمات از قبیل سیاسی‌کاری مسؤولان رسیدگی به پرونده شهرداریها، بی‌اعتنایی به مقررات آیین دادرسی، محرومیت متهمان از حقوق پایه خود، تداوم حرکات ناشایست در جریان انتخابات ریاست جمهوری میدان می‌دهد».

البته بازتاب اظهارات آقای عبدالله نوری در خصوص بازداشت شهردار تهران (که آن هنگام در عربستان سعودی حضور داشته) در رادیوهای بیگانه و امپریالیسم خبری انعکاس وسیعی می‌یابد که ذیلاً به‌چند مورد اشاره می‌شود:

بخش عربی رادیو لندن: عبدالله نوری وزیر کشور ایران نگرانی عمیق خود را از بازداشت غلامحسین کرباسچی شهردار تهران به‌اتهام فساد مالی ابراز داشت. عبدالله نوری می‌گوید برخورد با شهردار تهران، صلاحیت مسؤولین بازجویی و تحقیق پرونده وی را با تردید روبرو ساخته. وزیر کشور گفت: کرباسچی ممنوع‌الملاقات شده و بازداشت‌کنندگان شهردار را به‌حملة تبلیغاتی علیه او متهم کرد.

رادیو بی.بی.سی: امروز عبدالله نوری وزیر کشور نسبت به دستگیری شهردار تهران بشدت اظهار نگرانی کرد و گفت تاکنون به احترام رئیس جمهوری سکوت کرده است.

توضیح لازم این که این اولین بار نبود که اظهارات وزیر کشور انعکاس گسترده‌ای در رادیوهای بیگانه داشت، نمونه دیگری از اظهارات آقای عبدالله نوری که در مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۷۶ خود ابراز داشته و اختلاف شدید در بین مقامات بالای نظام را تداعی می‌کند، خبر رادیو رژیم صهیونیستی است که در این رابطه گفت: وزیر کشور ایران در مصاحبه مطبوعاتی خود صریحاً از رئیس قوه قضائیه انتقاد کرده است و تاکنون سابقه نداشته است که یک مقام بلندپایه جمهوری اسلامی، اینچنین علنی و صریح یکی دیگر از مقامات کلیدی نظام را مورد انتقاد قرار دهد.

خبرگزاری رویتر راجع به همین مصاحبه آقای عبدالله نوری گفت: وزیر کشور ایران، امروز چهارشنبه در یک مورد نادر عالیترین رده قضایی کشور را به سبب مبارزه‌ای که علیه یکی از طرفداران سیاسی کلیدی محمد خاتمی رئیس جمهور کشور پیش گرفته است، به باد حمله گرفت.

در ادامه روند ایجاد التهاب در افکار عمومی، آقای نوری در بازگشت از سفر حج به کشور، کار اقدامات عملی را در بحران‌سازی، از همان فرودگاه تهران آغاز می‌کند و به عنوان رئیس ستاد حمایت از آقای کرباسچی، با سرعت هر چه تمامتر به منزل متهم رفته و ضمن ابراز همدردی، اقدام قوه قضائیه را به ضرر نظام معرفی می‌کند و جالب اینجاست که در آغاز سخن خود شهروندان تهرانی را تهدید به محرومیت از خدمات شهری می‌کند.

آقای وزیر کشور در روز جمعه مورخ ۱۳۷۷/۱/۲۱ به منزل نامبرده رفته و در آنجا با موضعگیری در مقابل قوه مستقل قضائیه، برخلاف تمامی اصول دموکراتیک مبنی بر استقلال قوای سه‌گانه اظهار می‌دارد:

«من متأسفم که دستگاه قضایی ما کارش به جایی رسیده که وقتی کسی را بازداشت می‌کند به جای آن که مردم به چشم اتهام و خطا کردن به آن فرد نگاه کنند، خود قوه قضائیه زیر سؤال می‌رود».

باید از آقای نوری پرسید آیا فضا سازی برای مقابله با احکام و قوه قضائیه و

مخدوش کردن چهره این قوه، آن هم از منظر قوه مجریه با استقلال قوا همسویی دارد؟ آن هم قوه قضائیه‌ای که قدرت و توانمندی آن و تمکین هر چه بیشتر و حرمت هر چه تمامتر آن در بین مردم، بویژه در یک نظام مردمسالار، نشانگر قدرت و سلامت آن نظام است. آیا تخریب وجهه قوه قضائیه به نفع مردم و دولت و نهایت نظام است؟ آیا از بین رفتن اطمینان مردم و گسترش یأس از عدالت، جامعه را به سوی خیر رهنمون می‌سازد؟

ادامه روند تهاجم به وجهه قوه قضائیه همین جا ختم نگردید، بلکه با انجام اقداماتی، نهایتاً موجبات درگیری و تشنج در جامعه فراهم شد. چنانچه شهردار منطقه ۸ تهران بعد از بازداشت آقای کرباسچی، این موضوع را با صحنه جنگ مقایسه کرده و در مصاحبه خود می‌گوید: «اولین ماشه تویخانه جناح راست از سوی قوه قضائیه به طرف آقای کرباسچی نشانه رفته است». نامبرده مشخص نیست بر اساس چه برنامه‌ای به پیش‌بینی پرداخته و برای متشنج نشان دادن اوضاع داخلی کشور می‌گوید: «در یکی دو ماه آینده در تهران شاهد درگیریهای فراوانی خواهیم بود».

در ادامه سناریوی هیجان‌آفرینی و تب‌آلود کردن فضای اجتماعی، آقای عبدالله نوری در اولین روز کاری خود بعد از سفر حج در مورخ ۱۳۷۷/۱/۲۲ در وزارت کشور، ستاد حمایت از شهردار را در جهت ایجاد بحران و تضعیف قوه قضائیه به وجود می‌آورد، آن هم در شرایطی که استانهای فراوانی از جمله استان خوزستان، استان خراسان، استان کهگیلویه و بویراحمد دچار سیل خانمان‌برانداز شده‌اند که نمایندگان محترم شهرستانهای مختلف کشور استحضار دارند و حتی در استان کهگیلویه و بویراحمد یک روستای کامل با ۵۰ نفر سکنه در اثر جابجایی گسلهای زمین ناپدید می‌شود و هیچ آثاری از آن روستا باقی نمی‌ماند (رئیس: چهارمحال و بختیاری!) و وزارت کشور که وظیفه دارد به فریاد مردم آسیب‌دیده از بلایای طبیعی برسد، برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی، به جای ستاد حمایت از سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان و آوارگان ناشی از بلایای طبیعی، ستاد حمایت از یک نفر متهم در وزارت کشور تشکیل می‌دهد، در حالی که این سؤال در ذهن بسیاری از نمایندگان تکرار می‌شد که آیا نباید آقای وزیر کشور طبق روال گذشته به مناطق آسیب‌دیده سرکشی و از فرودگاه به مناطق حادثه‌دیده سفر می‌کرد؟

ملت شریف و قهرمان ایران! آیا به ما و نمایندگان خود حق نمی‌دهید که نسبت

به مدیریت سیاسی وزیری که یک فرد را بر ملت ترجیح می‌دهد تأمل کنیم و او را صاحب صلاحیت لازم برای ادامه خدمت و مسؤولیت در این پست خطیر ندانیم؟ محورهای ذیل عین سخنان آقای عبدالله نوری است که در جمع مدیران، مسؤولین، معاونین، مشاورین و کارمندان بخشهای مختلف وزارت کشور، شهرداریهای بیست‌گانه تهران نسبت به بازداشت شهردار تهران اظهار داشته که بسیار جای تأمل دارد. ایشان می‌گویند: «بازداشت آقای کرباسچی، شهردار تهران از سوی قوه قضائیه امری تلخ و نگران‌کننده است و برای تأمین مصالح نظام و انقلاب باید هر چه سریعتر حل شود». متأسفانه آقای عبدالله نوری به جای انجام وظیفه قانونی خود، از موضع مصلحت‌سنجی برای نظام و انقلاب اسلامی در کار قوه قضائیه دخالت می‌نماید و در ادامه اضافه می‌کند: «تا آنجایی که من مطلع هستم بعد از انقلاب چنین اتفاقی رخ نداده بود، سابقه نداشت که یک عضو هیأت دولت بازداشت شود».

جناب آقای وزیر! اولاً شهردار تهران رسماً عضو هیأت دولت نیست. ثانیاً چنانچه به شعار قانونگرایی قائل و پایبندیم، چه فرقی بین عضو هیأت دولت و مردم عادی در محضر عدالت وجود دارد؟ آیا عضو هیأت دولت بودن ایجاد مصونیت می‌کند که به اتهامات او رسیدگی نشود؟! خیر، هر کس در هر رده‌ای متهم باشد که حقوق مردم را ضایع کرده و به حیف و میل بیت‌المال پرداخته، نباید از اجرای عدالت در امان باشد.

سپس آقای وزیر کشور در ادامه صحبت خود می‌گویند: «من البته متأسفم که وضعیت دستگاه قضایی به جایی رسیده که با دستگیری آقای کرباسچی، دستگاه قضایی زیر سؤال می‌رود، این مسأله واقعاً باعث تأسف است».

به فرض این که ایشان رئیس قوه قضائیه را قبول نداشته باشد، از تضعیف قوه قضائیه و قضات متدین و شریف دستگاه قضائیه چه سودی می‌برد، آن هم از موضع وزیر کشور، نه یک شهروند عادی و یا عضو یک گروه سیاسی؟!.

آنگاه آقای عبدالله نوری از اظهارات خود نتیجه می‌گیرد و می‌گوید: «ما مدعی این مسأله هستیم که اگر اظهار نظرخواهی شود، مردم به این که قوه قضائیه مطمئن‌ترین و باثبات‌ترین نهاد این نظام است رأی نخواهند داد». آیا صحیح است قوه قضائیه هم مقابله به مثل کند، در این صورت آیا سنگ روی سنگ بند می‌شود؟

برادران و خواهران محترم نماینده! ملاحظه می‌فرمایید که دامنه هجوم و

حریم‌شکنیها تا چه حد گسترده است، یعنی رودررو قرار دادن قضات محترم و مردم با قوه قضائیه! آقای عبدالله نوری با چنین زمینه‌سازیهایی ستاد حمایت از آقای کرباسچی در محل وزارت کشور تشکیل می‌دهد و اعلام می‌کند: «ضرورت دارد که وزارت کشور ظرف ۲۴ ساعت با متجلی کردن ویژگیها و خصوصیات جناب آقای کرباسچی و عملکرد شهرداری تهران در این محل، به‌عنوان محل دائمی، زمینه‌ساز معرفی فعالیت‌های آن باشد».

آنگاه وزیر محترم کشور به‌منظور افزایش فشار جنگ روانی می‌گوید: «شهردار تهران کماکان آقای کرباسچی است و هرگونه اخلال در شهرداری هیچ ارتباطی به دولت ندارد» و لابد به‌قوه قضائیه مربوط می‌شود!

در ادامه جریان ستاد بحران در وزارت کشور، به‌منظور فشار آوردن به‌قوه قضائیه و نجات یک نفر متهم، کار خود را شروع کرد و باعث نتایج زیر شد:

۱. فراهم آوردن امکان تجمع برای:

الف. سخنرانی و اعلام مواضع و ترتیب دادن تریبون آزاد برای ایراد سخنان تحریک‌آمیز طیف‌های مختلف.

ب. تهیه خوراک تبلیغاتی جهت خبرگزاریها و رادیوهای بیگانه، به‌طوری که لحظه به‌لحظه اخبار این ستاد به‌روی تلکس و خبرگزاریها و آنتن رسانه‌های امپریالیستی می‌رفت و این مسأله القا می‌شد که در سطوح عالی، بین قوای کشور تفاهم وجود ندارد.

۲. تهیه و انتشار عکس در تیراژهای میلیونی، با هدف تحت تأثیر قرار دادن و ملتهب کردن جو جامعه از راه مظلومیت‌نمایی به‌انحای مختلف.

تهیه و چاپ مصاحبه با افراد در محل تجمع برای خوراک روزانه روزنامه‌های طرفدار، به‌طوری که در مدت مذکور روزنامه همشهری کلیه سرویسهای خود را تعطیل و تمامی آنها در بُعد گزارش خبری، به‌موضوع می‌پرداختند.

۳. ایجاد مرکز خبری برای ستاد، با اعلام تلفنهای تماس و غیره در روزنامه‌ها جهت تبادل نظر، هماهنگی، اخذ پیشنهادات در وزارت کشور و به‌نوعی تشکیل ستاد خبری و جمع‌آوری اطلاعات و تهیه بولتن‌های روزانه.

۴. سازماندهی و اعزام نیرو به‌مراکز مختلف از قبیل سخنرانی، تدارک ملاقات مثلاً با آقایان بزرگوار علمای قم و مظلوم‌نمایی، چانه‌زنی در ملاقات و اصرار بر آن با هدف انعکاس مطبوعاتی.

۵. ایجاد تشویش در افکار عمومی مبنی بر این که کشور دارای انسجام و قدرت و مرکزیت نبوده و هر کس در حیطه عملی خود دارای نوعی خودمختاری می باشد، لذا شیرازه کار از دست رفته است.

۶. وانمود کردن این مسأله که امروز هیچ موضوعی از موضوعات خاص شما مردم مثل مشکلات اقتصادی، ارزش ایجاد ستاد بحران ندارد. بنابراین، این موضوع بحرانی ترین موضوع در سطح کشور می باشد که توجه به آن نارضایتی عمومی و بی اعتمادی مردم را به طور جدی به همراه آورده است.

۷. تهیه نمایشگاه از عکسها و تابلوهای آقای کرباسچی و انبوه دسته گلها همراه با انعکاس و بازتاب آخرین اخبار و وقایع مربوط به آقای کرباسچی در ابعاد ۵۰ × ۷۰ و بریده روزنامه ها، حتی در حاشیه پیاده رو وزارت کشور به منظور جذب و هدایت مردم به داخل نمایشگاه وزارت کشور.

۸. مخدوش کردن چهره های خدوم وزارت کشور در نمایشگاه.

توضیح این که عده ای از پرسنل شریف وزارت کشور با آقای نوری در این نمایشگاه و ستاد (به اصطلاح بحران ایشان) همراهی نکردند. لذا ستاد به انحاء مختلف سعی می کرد که چهره های زشتی از آنها نشان دهد، چون آنها متهم به عدم همکاری با ستاد بحران بودند.

۹. تحریک شهرداران مناطق بیست گانه تهران به عنوان یک تشکل سیاسی غیر رسمی.

تا قبل از تشکیل ستاد بحران توسط وزیر محترم کشور شهرداران مناطق بیست گانه تهران هیچ گونه حرکت هماهنگ و مشترکی نظیر اعلام مواضع و دادن بیانیه نداشتند، اما پس از اعلام ستاد بحران و خط‌دهی خاصی که صورت می گیرد بیانیه مشترکی را امضا و منتشر می کنند. آنهایی که خود اعتراف به تخلفات خود کرده و در محضر دادگاه به اختلاس و ارتشای خود معترف بودند، از فضایی که آقای وزیر کشور برای آنها فراهم کرد، استفاده کرده و از گوشه انزوا بیرون آمدند و فریاد مبارزه با قانون شکنی سر دادند. البته تنها شهردار منطقه ای که حاضر به امضای طومار مربوط نشد، همان روز از مسؤولیت خود عزل شد. آیا با این جوی که آقای وزیر کشور به عنوان مسؤول امنیت کشور ایجاد کرده، ملت ایران حق ندارد گمان کند که فردا ممکن است اشرار، قاچاقچیان و محکومان دادگاهها از این فضا بهره جسته و یک

دسته سیاسی، تشکیلاتی درست کنند و در مقابل قانون و قوه قضائیه بایستند، با این ادعا که چرا آزادیهای آنها سلب شده است؟ نتیجه این اقدامات این که مسأله پرونده شهرداری تهران و در نهایت بازداشت شهردار تهران مشکلاتی را برای مدیریت اجرایی کشور پدید آورد و این ستاد بحران و چند روزنامه دولتی باعث شدند که رئیس جمهور محترم این دستگیری و بازداشت را متضمن آثار زیانبار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بداند و اعلام نماید که: «معتقدم ادامه بازداشت شهردار تهران فقط می تواند سبب پیچیده تر شدن امور و ایجاد خلل در روند اداره کشور و زمینه ساز برخوردی نادرست و اظهارت ناسنجیده از سوی صاحبان سلیقه ها و گرایشهای مختلف و بالمآل تضعیف قوا شود».

به نظر می رسد وزیر محترم کشور در جایگزینی مشکلات واقعی مدیریت اجرایی با بحرانهای کاذب، موفقیت تام و تمام داشت و متأسفانه این گونه اقدامات مطروودین سیاسی را مجدداً تقویت کرد و به عرصه سیاسی کشاند و دولت را در اولین مواجهه با مشکلی کوچک، ناتوان جلوه داد که به گمان ما ارائه چنین تصویری از دولت، جفا به دولت و ملت بود. (رئیس: آقای طاهری! روی وقت معین خودتان دو دقیقه وقت دارید).

آقای وزیر! آزادی و جلوگیری از انحصارطلبی زمانی تحقق خواهد یافت که قوای سه گانه بتوانند وظایف قانونی خود را اعمال کنند و از دخالت در سایر قوا پرهیز کنند. تضعیف هر کدام از سه قوه بخصوص قوه قضائیه، جز به تضعیف آزادی و ایجاد موانع برای نهادینه کردن قانون نمی انجامد. از وزیر کشور باید پرسید: جنابعالی با کدام مجوز در امور قضائیه که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به آن اشاره شده مداخله کردید و با ساختن فضای نامطلوب به تشویش افکار عمومی پرداختید؟ چنانچه شما معتقدید این حمایتهای شما از شهردار تهران به دلیل خدمات ایشان می باشد و به زعم خود نسبت به افراد توانا و خدوم و متواضع خود را مسؤول می دانید، چرا معاون عمرانی فعال و پرتلاش سابق وزارت کشور، جناب آقای مهندس زرگر را کنار زدید و فرد دیگری را که از متهمان پرونده شهرداری است به عنوان معاون عمرانی وزارت کشور برگزیدید؟ چرا فردی را که در پرونده اختلاس شهردار تهران متهم است به عنوان معاون اداری و مالی وزارت کشور برگزیدید؟ آیا در این موارد با وزارت اطلاعات هماهنگی شده است؟ آیا به نظر شما لازمه آزادی و توسعه سیاسی این است

که افرادی مسأله‌دار و متخلف را بر حساس‌ترین مسؤولیتهای وزارتخانه مهم کشور بگمارید؟

آیا پرده خانه خدا، این پیشکشی مقامات عربستان سعودی متعلق به شخص شما بود که تقدیم خانواده آقای کرباسچی کردید؟ اگر آنرا متعلق به شخص خود می‌دانستید به اطلاع وزیر محترم می‌رسانیم که برداشت جنابعالی اشتباه بوده است. آن هدیه معنوی که از طرف مقامات عربستان سعودی به وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران تقدیم شده است و طبق مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۰۱۷۴ مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۸ باید به کابینه ملت برگردد و در موزه ملت نگهداری شود.

آقای وزیر! به چه مجوزی حکم تعلیق شهردار تهران را اجرا نکردید؟ آیا از نظر جنابعالی حکم دادگاه و قوه قضائیه برای شما و دوستان شما نافذ نیست؟ پس کجا رفت شعار توسعه سیاسی و جامعه‌ای که پایه‌هایش بر آزادی و قانون استوار است؟ از این رو ما ضمن حمایت از برنامه‌های اصولی دولت به دلایل مذکور ادامه خدمت آقای عبدالله نوری را در سمت وزارت کشور به مصلحت نظام، منافع ملی و ثبات امنیت کشور نمی‌دانیم.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.
رئیس: متشکر، آقای نورا بفرمایید.

عباسعلی نورا: سلام علیکم، بسم الله الرحمن الرحیم.

با درود به روح پرفتوح امام راحل و عرض ارادت به پیشگاه مقام عظمای ولایت. در ادبیات سیاسی، امنیت واژه زیبا و بسیار ارزشمندی است و ظهور تمدنها در پرتو امنیت بوده است. توسعه تمدن و پیشرفت هر کشوری مرهون وجود امنیت می‌باشد. بر اساس این ادله، اسلام بر تأمین امنیت تأکید بسیار نموده است، نظر شما نمایندگان محترم و مردم بزرگوار را به حدیث «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الصِّحَّةُ وَالْأَمَانُ» جلب می‌نمایم.

نعمت مجهول گرانبهای جوامع، امنیت است که دارای شقوق فیزیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روانی و جانی است.

در جوامع امروز هیأت حاکمه یا دولت موظف به تأمین امنیت در جامعه می‌باشد. به فرمایش مولی‌الموحدین علی (ع) «در پرتو امنیت جامعه در شرایط آرامش و آبادانی

قرار می‌گیرد، رفتار اجتماعی روان و معیشت مردم تأمین و عدالت اجتماعی حاکم می‌شود». لذا در سایه امنیت، مردم به دولت ایمان می‌آورند و به سبب ایمنی که دولت ایجاد کرده است، آرامش اجتماعی که لازمه جامعه توسعه و رشد یافته است، محقق می‌شود و زندگی مردمان بستری زیبا و متجانس پیدا می‌کند. متأسفانه توفیقات آقای عبدالله نوری در تأمین امنیت کشور در این مدت، ناچیز بوده است، حتی در جاهایی در خصوص تأمین امنیت موفق نبوده، بلکه خود نیز در ایجاد ناامنی نقش داشته است.

عدم اولویت دادن به مسائل امنیتی است و نادیده گرفتن امنیت در برنامه توسعه و کم توجهی به مسائل رفاهی نیروی انتظامی از جمله اشکالات وارده بر عملکرد گذشته آقای نوری در هنگام اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی در ارتباط با مسائل امنیتی بود که متأسفانه این اشکالات هنوز به قوت خودش باقیست.

ریاست محترم جمهوری در همان جلسه در دفاع از وزیر کشور ضمن معرفی آقای نوری، تحقق دو هدف توسعه سیاسی و ایجاد امنیت را به وسیله ایشان دنبال می‌کردند. آقای نوری نیز در هنگام اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی، تأکید به برقراری امنیت پایدار داشتند و قول دادند که در جهت تأمین امنیت کشور تلاش کنند که متأسفانه به قولشان عمل نکردند.

ایشان در توجیه ناامنیها در کشور در مصاحبه مطبوعاتی خود که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی انجام گرفت از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردند و گفتند: «برخورد با متخلفان بر عهده نیروی انتظامی و قوه قضائیه است. حال اگر در مورد عملکرد این دو نهاد مشکل وجود دارد، از آنجایی که وزارت کشور اختیاراتی در این زمینه ندارد، طبیعتاً هیچ مسئولیتی را قبول نمی‌کند». ضمن این که این گفتار آقای نوری دلالت بر تزاید ناامنی در کشور دارد، ایشان سعی نمودند که در این راستا از خود سلب مسئولیت نموده و مسئولیت آنرا متوجه دیگران نمایند.

اجازه می‌خواهم که برای مردم شریف ایران و شما حضار محترم پاره‌ای از وظایف وزارت کشور را طبق مصوبات مجلس بیان دارم تا معلوم گردد که سلب مسئولیت وزیر کشور از تزاید ناامنیها در کشور یک ترفند سیاسی بیش نیست.

پس از انقلاب اسلامی برای اجابت و تأمین حقوق ملت، دولت برای تأمین امنیت کشور در سال ۱۳۶۲ قانون تعیین وظایف تشکیلات شورای امنیت کشور را

به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند. طبق این قانون شورای امنیت هر دو هفته یک بار به ریاست وزیر کشور و با حضور مقامات بالای ارتش، سپاه، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی تشکیل می‌گردد. در ماده ۱ این قانون هدف از تشکیل شورای امنیت آمده است: «بررسی جریانات و پیشامدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن است». وظایف شورای امنیت به استناد این ماده و کلاً موارد دیگر عبارتند از:

- الف. جمع‌بندی و بررسی اخبار و گزارشات و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وقایع حساس امنیتی، سیاسی، اجتماعی کشور جهت بهره‌برداری سریع و غیره.
 - ب. برقراری ارتباط با شورای تأمین استانها و غیره.
 - ج. مشخص نمودن سیاستهای عام امنیت داخلی در چارچوب قوانین مصوبه.
 - د. تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگانها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چارچوب وظایف قانونی آنها.
 - ه. پیگیری و ارزیابی نتایج حاصله از اجرای تصمیمات متخذه در شورا.
- طبق ماده ۲ این قانون، امنیت کشور و حفاظت از شخصیتها، اماکن و تأسیسات به عهده وزارت کشور است و در مواقع لزوم ارتش و سپاه پاسداران باید هماهنگ با وزارت کشور در حفظ و برقراری امنیت داخلی کشور اقدام نماید.
- برابر تبصره ۲ ماده ۳ قانون مذکور، شورای امنیت صرفاً به منظور مشورت در امور امنیتی تشکیل می‌شود و تصمیم‌گیری در امور مذکور بر عهده وزیر کشور است. همچنین دبیرخانه شورای امنیت کشور در وزارت کشور زیر نظر وزیر کشور تشکیل می‌شود.
- مطابق مواد ۴ تا ۹ قانون مذکور، مسؤولان امنیت در استانها، استانداران و در شهرستانها، فرمانداران می‌باشند و در بخشهای دارای ۱۰۰ هزار جمعیت و بیشتر بخشداران می‌باشند.
- شورای تأمین استان، شهرستان و بخش با عضویت مقامات ارتش، سپاه، اطلاعات و نیروی انتظامی به ریاست استاندار، فرماندار و بخشدار تشکیل می‌شود و استاندار و فرماندار و بخشدار نظرات مشورتی اعضا را اخذ کرده، ولی تصمیم‌گیری نهایی با آنها می‌باشد.

بنابراین به استناد قانون فوق وزیر کشور، استانداران، فرمانداران و بخشداران مسؤول امنیت کشور، استانها، شهرستانها و بخشها بوده، عوامل ارتش، سپاه، اطلاعات و نیروی انتظامی مجری سیاستها و تصمیمات آنها در جهت ایجاد و تأمین امنیت می‌باشند.

نکته بعدی این است که حتی در قانون تشکیل نیروی انتظامی آمده است: ماده ۲. نیروی انتظامی سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور.

در ماده ۸ و ۹ این قانون آمده: «طرح سازمان و تشکیلات این نیرو توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب فرماندهی کل قوا خواهد رسید و بودجه سالانه آن پس از تأیید وزارت کشور از طریق سازمان برنامه و بودجه به هیأت دولت ارسال می‌گردد». همچنین به خوبی در دستورالعمل «روابط کاری» وزارت کشور و نیروی انتظامی مصوبه فرماندهی کل قوا، مسؤولیت وزارت کشور نسبت به امنیت کشور روشن است. در ماده ۲ این دستورالعمل، وزارت کشور مسؤول امنیت کشور در کلیه سطوح و ابعاد و تدوین استراتژی امنیت داخلی و خط‌مشیهای مرتبط با آن است. استقرار امنیت عمومی و فردی از طریق شورای امنیت کشور با این وزارتخانه است.

حال که به قوانین و مقررات موضوعه در خصوص وزارت کشور، شورای امنیت به تفصیل اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار در ابعاد مختلف امکانات و ابزار لازم و کافی را در اختیار وزارت کشور گذاشته است. متأسفانه آقای نوری از به کارگیری این ابزار در تأمین امنیت، استنکاف نموده است. طبق شواهد و حسب این قوانین موردی را وزارت کشور به عهده نیروی نظامی و انتظامی به منظور تأمین و اجرای امنیت کشور نگذاشته است که نیروها از اجرای آن استنکاف ورزیده باشند، بلکه ضعف از خودداری وزارت کشور در ابلاغ راهبردها و راهکارها به نیروی نظامی و انتظامی جهت حفظ امنیت مردم بوده است و سلب مسؤولیت برقراری امنیت از طرف وزیر کشور مبتنی بر این دلایل مردود و خود، تشویش‌کننده اذهان عمومی است.

جناب آقای نوری! برابر گزارشات واصله رخدادهای امنیتی در جامعه به میزان ۲۴۲۱ مورد در سه‌ماهه چهارم سال ۱۳۷۶ حکایت از روند صعودی دارد و از ۳۱ درصد در دی‌ماه به ۳۴ درصد در بهمن‌ماه و ۳۵ درصد در اسفندماه افزایش یافته

است. با یک نظر اجمالی به نمودار رخدادهای امنیتی محرز می‌گردد که افزایش رخدادهای امنیتی در ماههای اخیر با متوسط ۳۳ درصد از بارزترین مشکلات مردم است، به طوری که نگرانی ناشی از آنرا در آحاد جامعه می‌توان مشاهده کرد. این رشد و افزایش ناامنیها در جامعه موجب رکود اقتصادی و بازدارنده سرمایه‌گذاری در امور توسعه گردیده است. عدم وجود امنیت و روند بدتر شدن آن، زمینه هرگونه سرمایه‌گذاری را نابود می‌کند و در چنین شرایطی نباید انتظار داشت که قادر به حل مشکلات اقتصادی مردم و رفع مشکل بیکاری و حفظ قدرت خرید مردم خواهیم بود. این آمار گویای عدم برنامه‌ریزی وزارت کشور در جهت راهبردهای امنیتی و بی‌توجهی نسبت به مسائل امنیتی است که طبق قانون شورای امنیت کشور و شورای تأمین استان از وظایف اصلی وزارت کشور می‌باشد. با کمال تأسف این آمار و ارقام در بعضی از استانها، بخصوص استانهای مرزی و مرکزی تکان‌دهنده و نگران‌کننده است و همواره رو به‌تزايد است.

یکی از بارزترین دلایل آن، بی‌تجربگی مدیران استانداریهاست. از کسی که تا قبل از انتصاب در سمت استانداری نام شورای تأمین و شرح وظایف آن به گوشش نرسیده و هیچ ارتباطی با وزارت کشور و شرح وظایف آن نداشته و همچنین با محیط کاری خویش نیز هیچ‌گونه شناختی نداشته است و از همه بدتر به دلیل تفکرات خطی و جناحی به کلی تمامی معاونین و مدیران کل استانداری را عزل و تمام تجربه‌ها را یکجا تصفیه جناحی و از صحنه مدیریت خارج و خانه‌نشین کرده‌اند، نمی‌توان بیشتر از این انتظار داشت.

آمار ثبت‌شده وقایع امنیتی استان سیستان و بلوچستان در شش‌ماهه دوم سال ۱۳۷۶ به‌عنوان یک استان مرزی، ۵۱۵ مورد اعلام گردیده است که تماماً مربوط به گروگانگیری، نزاع دسته‌جمعی، قتل، سرقت مسلحانه، درگیری با اشرار، تردد کاروانهای قاچاق و خرید و فروش اسلحه بوده است. حال تصور نمایید که تحت چنین شرایطی زیستن و توسعه سیاسی و اقتصادی و قانونگرایی که مد نظر ریاست محترم جمهور است، چگونه در جدارهای مرزی مقدور است؟ مقامات وزارت کشور برای این همه وقایع امنیتی هیچ‌گونه راهکار و راهبردی را تاکنون به‌مرحله اجرا نگذاشته‌اند و آنچه انجام گرفته حالت روزمرگی دارد که نه تنها حل مشکل نمی‌کند، بلکه خود مشکل‌آفرین شده است.

نظر همکاران را به نامه‌های سردار پاسدار تیمسار عقابایی معاون سیاسی و امنیتی وقت استان به وزیر کشور و استاندار معطوف می‌دارد که می‌نویسد: «جای بسی تأمل و شگفتی است که در این خط، سردمداران آشوب و بلوا گرامی داشته می‌شوند و دلسوختگان نظام هر روز به نوعی مورد کم‌لطفی و حتی بی‌احترامی قرار می‌گیرند» یا می‌نویسد: «متأسفانه استاندار با ذهنیت کاملاً سیاسی که هنوز فکر می‌کند در ستاد انتخابات کار می‌کند، به گونه‌ای عمل نموده که برای مسائل اساسی استان نه تنها فکری نشده، بلکه در صدد برنامه‌ریزی آن هم نیست و این وضع برای استان خسارت جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت» و سپس مشارالیه به دلیل رفتار و برخوردهای ناصحیح مقامات وزارت کشور و استانداری (و یا به قول خودش) رفتار بچه‌گانه ناچار به استعفا شد و اعلام داشتند که دوست ندارند شریک اعمال ناشایست استانداری باشند.

در تحلیل تلکس خبرهای محرمانه آمده است که: «راه‌بندی، سرقت اموال مسافرین، آدم‌ربایی، شرارت، قتل، سرقت از منازل در شهرها، سرقت خودروهای دولتی و شخصی، تردد کاروانهای قاچاق در سراسر کشور بخصوص استانهای شرقی کشور در چند سال اخیر به این شدت مسبوق به سابقه نبوده است».

در گزارش مورخه ۱۳۷۶/۱۲/۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی آمده است که در یکی از شهرستانهای کشور به نام جیرفت فقط ۷ فقره آدم‌ربایی رخ داده است و تعداد آماري را که از استان کرمان در اختیار من گذاشته‌اند اگر بخوایم به ردیف بخوانم امکان ندارد که وقت عزیزان اجازه بدهد و ساعتها طول می‌کشد تا فقط ردیفهایی را که در این زمینه و رخدادهایی را که در استان کرمان رخ داده مطرح کنیم. من جمله ربایش ریاست دادگستری شهرستان جیرفت. عدم امنیت در مرزها و تردد بی‌رویه افغانه و ورود قاچاق و مواد مخدر به داخل کشور نسبت به گذشته مضاعف شده است تا جایی که فرمانده ناحیه انتظامی سیستان و بلوچستان در راه مبارزه با این امر به شهادت می‌رسد که شهادت فرمانده بعد از ادغام نیروها بی‌سابقه است.

طبیعی است با انتصاب استاندار بی‌تجربه در استانهای حساس مرزی که سابقه چندانی در وزارت کشور ندارند، هرگز نمی‌توان انتظار طراحی، برنامه‌ریزی و تدبیر در امور امنیتی را داشت.

آقای نوری! همان طوری که وقوف کامل دارید به منظور تقویت کمربند امنیتی در